



شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری در ایران و ارائه برنامه کارا و کارآمد

حسین اعتمادی ■

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تربیت مدرس □ □

دکتر علی نیکخواه آزاد ■

دانشیار و سرپرست دوره دکتری حسابداری دانشگاه تهران □ □

چکیده

امروزه حسابداری نقش بسیار مهمی در کمک به توسعه اقتصادی داشته که این نقش در کشورهای در حال توسعه مشهودتر است. چگونگی شکل‌گیری و توسعه رشته حسابداری در قرن بیستم، بیشتر تابع رشد و افزایش واحدهای تجاری، مقررات بازرگانی و قوانین دولتی و مالیاتی بوده است. از این‌رو پیشرفتهای علمی و فنی در این زمینه از یک طرف و رشد شتابان اقتصادی از طرف دیگر، این نیاز را بوجود آورده است که حسابداران در زمینه‌های تخصصی مربوط، مهارتهای لازم را به دست آورند. پردازش اینگونه تخصصها و تربیت نیروی انسانی متخصص، نیاز به ساختار آموزشی مؤثر، کارا و متناسب با شرایط محیطی دارد. با توجه به تحولات اقتصادی کشور به نظر می‌رسد نظام آموزشی حسابداری از نارساییهای بنیادی برخوردار بوده، از این رو امکان پرورش استعدادها و به وجود آوردن تخصصهای لازم را ندارد.

شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری اولین شرط لازم در رفع اینگونه موانع است. بر مبنای شناسایی اینگونه عوامل، می‌توان، مدل توصیفی مناسبی با توجه به اهمیت هریک از متغیرهای لازم ارائه کرد؛ که استقرار آن در رفع نارسایی موجود مؤثر افتد. تحقیق حاضر به شناسایی و تعیین درجه اهمیت هر یک از عوامل و موانع رشد در ساختار آموزشی حسابداری در ایران پرداخته، بر آن است تا تصویری «واقعی» از این عوامل و

در نهایت مدل مناسبی برای آموزش حسابداری در ایران فراهم سازد. طرّاحی مدل براساس نظرخواهی دست‌اندرکاران حرفه‌ای، استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی این رشته، شکل یافته است.

مقدمه

تغییرات عمده‌ای که در نظام اقتصادی کشور در سالهای اخیر صورت پذیرفته، از جمله عمومی شدن مالکیت سازمانها، انتشار اوراق مشارکت برای تأمین مالی شرکتها، تشکیل بورس اوراق بهادار و ... باعث شده است تا نیاز به اطلاعات حسابداری بیش از پیش احساس شود. تأمین این اطلاعات در رفع نیاز استفاده‌کنندگان و تصمیم‌گیران در سطح خرد و کلان باید به وسیله کارشناسانی صورت گیرد، که از تخصص و مهارت کافی در این زمینه برخوردار باشند. پردازش و تربیت نیروی انسانی متخصص در رشته حسابداری، نیاز به ساختار آموزشی مؤثر و کارا در این رشته دارد. با لحاظ داشتن تحولات محتوایی در اقتصاد کشور، چنین به نظر می‌رسد که امکانات و نظام آموزشی حسابداری از نارساییهای بنیادی برخوردار بوده و توان پرورش استعداد، و به وجود آوردن تخصصهای لازم را نداشته است. برای رفع این نارساییها اولین گام، شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری است. شناسایی این عوامل اولین شرط و یا در واقع شرط لازم برای رفع اینگونه موانع است؛ تا در نهایت باتوجه به نیاز کشور به وجود آمدن شرایطی مناسب در تربیت نیروهای متخصص منجر شود.

آموزش حسابداری

تا پیش از قرن بیستم در هیچیک از دانشگاههای غرب، آموزش حسابداری به صورت رسمی رایج نبوده است. در اوایل این قرن بود که اولین برنامه آموزشی در مدرسه بازرگانی وارتن، که یکی از دانشکده‌های دانشگاه پنسیلوانیاست، ارائه شد. سپس دانشگاه نیویورک آن را دنبال کرد. در آغاز استادان رشته حسابداری عمدتاً حسابداران تجربی بوده و روش تدریس آنها به شیوه تدریس مبتنی بر حل مسأله استوار بوده است. در دهه دوم قرن بیستم بالغ بر ۵۲ مدرسه عالی و دانشگاه اقدام به ارائه دروس حسابداری کردند. در اواخر دهه سوم این قرن، تعداد مؤسسات آموزش عالی ارائه‌کننده دروس حسابداری به ۲۲۵ رسید، و در این زمان تحقیقاتی نیز پیرامون اهداف آموزشی صورت گرفت که اهداف آموزشی آن مبتنی بر مفاهیم و سوابق حسابداری فنی برنامه‌ریزی شده بود.

از اواسط قرن بیستم، پس از برگزاری آموزش حسابداری در قالب چهارچوب مشخص، تحقیقات و مطالعات گوناگون در خصوص ساختار آتی محتوا و وسعت آن صورت گرفت. در سال ۱۹۸۴ میلادی کمیته اجرایی انجمن حسابداران آمریکا (AAA)^۱ وضعیت جاری آموزش حسابداری و موانع توسعه



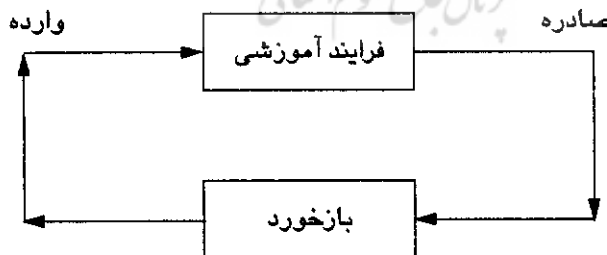
حرفه حسابداری را تحت مطالعه قرار داد. تجزیه و تحلیل این کمیته بر این موضوع تأکید داشت که آموزش حسابداری به شیوه جاری، نیازمند بازنگری بنیادی است که تا سال ۲۰۰۰ میلادی ادامه خواهد داشت، تا بتواند تأمین کننده و همگام با تغییرات در سایر علوم، همانند تغییرات وسیع که در تکنولوژی، ارزشهای اجتماعی و جامعه، دولت و نهادهای تجاری تکامل یافته و در نهایت نیازهای نشأت یافته از این تغییرات باشد.

کمیته نتایج مطالعات خود در زمینه محتوا و ساختار آموزشی حسابداری در آینده را به صورت زیر ترسیم کرده است:

- ۱- توجه به حسابداری به عنوان یک سیستم اطلاعاتی و پردازش اطلاعات اقتصادی.
 - ۲- توجه استادان به راهنمایی دانشجویان در درس پایه و ایجاد انگیزش بالا در آنان.
 - ۳- انعطاف پذیری در برنامه آموزش دانشگاهها.
 - ۴- تأکید و توجه کتابها و نشریات حسابداری به محتوا و وسعت آموزش حسابداری در آینده.
 - ۵- پذیرش دانشجو با استاندارد بالا.
 - ۶- فراهم بودن بودجه کافی برای تحقیقات و پژوهشهای حسابداری.
- به منظور دربر گرفتن ویژگیهای بالا، طراحی نظام آموزشی بایستی به صورتی باشد که دربرگیرنده عوامل مؤثر (مرتبط) به آن ویژگیها بوده، و دستیابی به آنان را میسر سازد.

نظام آموزشی

نظام آموزش یک مجموعه پیچیده است که در آن اجزای متشکله و زیرنظامها به گونه ای سازمان یافته است تا در چهارچوب تعامل مستمر^۲ هدفهای از پیش تعیین شده آموزشی تحقیق یابد. شکل زیر نموداری از فرایند یک نظام آموزشی را نشان می دهد.



در قسمت وارده نظام، داوطلبان آموزش، مربیان کتابهای درسی، فضا و تجهیزات آموزشی از

عوامل وارده محسوب می‌شوند. فرایند آموزشی نیز شامل روشهای تدریس، برنامه آزمایشگاهی و تجربی و صادره نظام، شامل دانش آموختگانی است که در عین تأثیرپذیری از محیط بر آن نیز تأثیر می‌گذارند.

آموزش حسابداری در ایران

حسابداری در ایران به نخستین تمدنهایی برمی‌گردد که در این سرزمین پا گرفت. مدارک حسابداری به دست آمده با ۲۵ قرن قدمت، گواه بر وجود این دانش در ایران باستان است.^۳ در طول تاریخ روشهای حسابداری متنوع و متعددی برای اداره امور حکومتی و ثبت فعالیت‌های اقتصادی ابداع شده، که در پاسخ به نیازهای زمان سیر تحولی و تکاملی داشته‌اند. ممیزی املاک در تمدن ساسانی و تکامل حسابداری سیاق برای نگهداری حساب درآمد و مخارج حکومتی در دوره سلجوقیان نمونه‌های بارز و پیشرفته آن است.

حسابداری نوین، همانند بسیاری از دانشهای کاربردی دیگر، به همراه ورود فرآورده‌های صنعتی و رسوخ مؤسسات و شرکتهای خارجی به ایران راه یافت. اما مشکلات اقتصادی، فقر علمی، ناهماهنگی مقررات با نیازهای جامعه، ضعف نهادهای حرفه‌ای و عدم ارتباط حسابداری نوین با حسابداری سنتی ایران از جمله موانع عمده‌ای بوده که اشاعه و پیشرفت آموزش حسابداری را در کشور، محدود و کاربرد آن را در رفع تنگناها و مشکلات اداره مؤسسات کاهش داده است. نارسایی‌ها تا آن میزانی فراگیر بوده‌اند، که هنوز قواعد استقرار سیستمهای حسابداری متناسب و کارآمدی که بتواند با فراهم آوردن اطلاعات قابل اعتماد و صحیح و بموقع، تصمیم‌گیریهای روزمره را منطقی و برنامه‌ریزی عملیات آینده را تسهیل کند، برای بسیاری از اشخاص و مؤسسات ناشناخته مانده است. به نظر می‌رسد که بنیادیترین دلیل این نارسایی موجود در نظام حسابداری را باید در سیستم آموزش حسابداری جستجو کرد.

برای رفع مشکلات بنیادی در زمینه آموزش حسابداری، تلاشی بلندمدت ولی با افت و خیز صورت گرفته است که آغاز آن تدریس حسابداری در مدرسه دارالفنون در دهه ۱۲۹۰ شمسی در دوره شادروان علامه دهخدا بود؛ سپس به ایجاد رشته حسابداری در دانشگاهها و مؤسسات آموزشی عالی در سراسر کشور منجر شد.^۴ آموزشگاه عالی شرکت نفت در اوایل سال ۱۳۳۰ شمسی تأسیس و به دلیل نفوذ انگلیس در صنعت نفت و اعزام دانشجویان برای آموزش حسابداری به انگلستان آموزش و حرفه حسابداری در آغاز تحت نفوذ کامل سیستم انگلیسی قرار گرفت. در دی ماه ۱۳۳۲ براساس مذاکراتی که میان نمایندگان دانشگاه تهران و هیأت اقتصادی آمریکا در ایران صورت گرفت، مؤسسه علوم اداری و بازرگانی با همکاری دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تأسیس و در تیرماه ۱۳۳۸ اساسنامه آن

۳. مصطفی علی مدد، نظام‌الذین ملک‌آرای، اصول حسابداری، جلد دوم، مرکز تحقیق حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۸۶.

۴. همان، ص ۴.



از تصویب شورای دانشگاه تهران گذشت.^۵ از آن به بعد بتدریج رشته حسابداری در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور تأسیس شد. هیچیک از سیستمهای آمریکایی و انگلیسی قادر به چارهجویی مشکلات حسابداری در ایران نبودند و برعکس اختلاط این دو سیستم تضادهایی را در آموزش و عمل ایجاد کرد که همواره دست‌اندرکاران را به خود مشغول ساخته است. از طرف دیگر تغییرات عمده‌ای که در نظام اقتصادی کشور در سالهای اخیر صورت پذیرفته، از جمله عمومی شدن مالکیت سازمانها، انتشار اوراق مشارکت، در تأمین مالی سازمانها، تشکیل بورس اوراق بهادار و ... باعث شد نیاز به اطلاعات حسابداری بیش از پیش احساس شود. با درک این مسأله که اطلاعات حسابداری به صورت بالقوه و بالفعل زیربنای تصمیم‌گیریهای اقتصادی در جامعه برای بهینه‌سازی تخصیص منابع است، بنابراین پردازش آن باید به وسیله افراد مجرب و متخصص صورت گیرد؛ و داشتن چنین افرادی در جامعه ممکن نخواهد بود مگر آنکه نظام آموزشی مناسب با نیازهای جامعه در تربیت آنها نقش داشته باشد. با پذیرش این فرض که آموزش حسابداری در شرایط بسیار وخیمی به سر می‌برد، و نیازهای اقتصادی کشور بیش از همیشه نیاز به تخصیص منابع ملی بر مبنای اطلاعات صحیح دارد، و این اطلاعات صحیح از طریق سیستمهای حسابداری تهیه می‌شود؛ نظام آموزشی حسابداری باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند پاسخگوی نیازهای فوق باشد.

برای تأمین نیازهای فوق ابتدا باید عوامل و موانعی که در عدم اعتدالی آموزش حسابداری مؤثر بوده‌اند را شناسایی کرد. از این‌رو براساس نظریات و عقاید دست‌اندرکاران آموزش و حرفه حسابداری، عواملی به عنوان موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری در قالب فرضیات تحقیق مطرح تا با آزمون هریک از این عوامل میزان تأثیرگذاری آنها در فرایند آموزش حسابداری مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیات تحقیق

- ۱- کمبود استادان متخصص مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛
- ۲- ارائه موضوعات منسوخ شده، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛
- ۳- ارائه دروس غیرمرتبط با حرفه حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛
- ۴- کمبود کتابهای حسابداری به زبان فارسی و همچنین کتابهای ترجمه شده، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛
- ۵- گرایش بیشتر آموزش به تکنیکها و روشها به جای تأکید بر مبانی تئوریک و تحلیلی، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛
- ۶- عدم تأمین مالی استادان که منجر به اشتغال آنان به امور غیرآموزشی و پژوهشی می‌شود،

۵. ابرج نوروش، تحقیقی پیرامون برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران ۱۳۷۲.

مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۷- فقدان دوره کارورزی و کارآموزی در حین تحصیل دانشجویان، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۸- ارائه دروس به صورت مجزا و عدم وجود فرایند مرتبط کردن آنان در قالب یک سیستم اطلاعاتی حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۹- یکنواختی نسبی برنامه دروس حسابداری در تمام دانشگاهها، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۰- عدم وجود جایگاه مناسب برای حرفه حسابداری در جامعه و درک پایین جامعه نسبت به شأن و منزلت حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۱- فقدان همکاری بین استادان حسابداری و حسابداران حرفه‌ای، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۲- فقدان انجمنهای حرفه‌ای حسابداری و حمایت منسجم آنان از آموزش حسابداری از لحاظ مادی و معنوی، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۳- فقدان جایگاه مناسب در نشر و انتشار مقالات حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۴- عدم برگزاری امتحانات تخصصی برای تأیید صلاحیت حرفه‌ای، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۵- فقدان استانداردها و روشهای مدون حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۶- فقدان استانداردها و روشهای مدون حسابرسی، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۷- کمبود منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات جاری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۸- کمبود اطلاعات اولیه که لازمه تحقیق و پژوهش است، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۱۹- پذیرش دانشجویان که رشته تحصیلی آنان پیش از ورود به دانشگاه سنخیتی با رشته حسابداری ندارد، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۲۰- عدم علاقه دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری که ناشی از سیستم گزینش دانشجویان است، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۲۱- عدم تأمین مالی دانشجویان در دوره تحصیل، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۲۲- عدم آشنایی کافی دانشجویان به زبان انگلیسی در استفاده بهتر از متون خارجی، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛



۲۲ - کمبود جدی استادان با مدرک دکتری در رشته حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۲۴ - استفاده بیش از حد از استادان پاره وقت، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

۲۵ - عدم اشتغال استادان حسابداری به پژوهش و تحقیق مربوط به رشته، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است؛

روش تحقیق

از آنجا که تحقیقات مشابهی در این زمینه در سایر کشورها صورت گرفته بود پاره‌ای عوامل که به نحوی می‌توانستند با کیفیت آموزش حسابداری مرتبط باشند شناسایی شدند. شناسایی عوامل فوق بدان معنی است که فقدان این عوامل مرتبط با کیفیت آموزش حسابداری، می‌تواند مانعی در رشد و ارتقای آموزش حسابداری باشد.

پس از جمع‌آوری اینگونه اطلاعات برای اعتبار بخشیدن به مربوط بودن آنان در محیط ایران، با متخصصان و صاحب‌نظران امر مشاوره شد و بر مبنای نظریات کسب شده، آن دسته عوامل در شرایط لزوم مورد تعدیل و یا تغییر قرار گرفتند و در نهایت عواملی که با شرایط محیطی ایران مرتبط تشخیص داده شده بودند، ولی در متون به آنان اشاره نشده بود، به فهرست عواملی که مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری می‌باشند اضافه شدند. فهرست حاصله در تأیید اعتبار محتوایی‌اش مورد نظرخواهی تعداد محدودی از متخصصان قرار گرفت و برای دومین بار بر مبنای نظریات حاصله مورد تعدیل قرار گرفت.

بر مبنای فهرست تعدیل شده، فرضیات نهایی تحقیق تدوین شدند. ۲۵ عامل به عنوان موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری که محور تدوین هریک از فرضیات تحقیق بودند به صورت سؤالی مستقل در پرسشنامه گنجانده شدند. پرسشنامه مقدماتی برای تأیید اعتبار ساختاری‌اش مورد نظرخواهی از تعداد محدودی متخصصان قرار گرفت و بر مبنای نظریات کسب شده در صورت لزوم تعدیل و سپس پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

پس از شناسایی عوامل مربوطه، اطلاعات مورد نیاز برای آگاهی از نظریات افراد متخصص، از طریق ارسال پرسشنامه جمع‌آوری شده، اعتبار عوامل از طریق روشهای آماری مربوط، مورد آزمون قرار می‌گیرد؛ تا در نهایت در تأیید یا رد فرضیات مورد استفاده قرار گیرند. نتایج بررسیهای آماری در قالب یک مدل مفهومی^۶ که بیانگر روابط متغیرها و توالی آنها در یک فرایند خواهد بود؛ نشان داده می‌شود.

جامعه آماری تحقیق

در نظرخواهی از افراد متخصص تشکیل دهنده جامعه آماری تحقیق این افراد به ۳ گروه تقسیم شدند:



۱- استادان و اعضای هیأت علمی رشته حسابداری دانشگاههای دولتی ایران؛

۲- دانشجویان تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری)؛

۳- اعضای حرفه حسابداری.

دو گروه اول و دوم به دلیل محدودیت در تعداد افراد، به طور کامل مورد نظرخواهی قرار گرفتند. در مورد اعضای حرفه حسابداری به دلیل عدم وجود آمار دقیق براساس تجربیات آموزشی، نمونه‌گیری شد، و نمونه آماری مورد نظر عمدتاً از اعضای انجمن حسابداران خبره و سازمان حسابرسی انتخاب گردید. مشخصات نمونه آماری، تعداد هریک از آنها، و پاسخهای دریافت شده در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: مشخصات جامعه آماری و تعداد برحسب نوع فعالیت

تعداد افراد پاسخ‌دهنده	تعداد افراد نمونه‌گیری شده	گروه‌های جامعه آماری
۳۹	۶۰	۱- اعضای هیأت علمی دانشگاههای دولتی
۲۷	۴۵	۲- دانشجویان تحصیلات تکمیلی
۵۶	۷۵	۳- اعضای حرفه (سازمان حسابرسی - انجمن حسابرسان خبره)
۱۲۲	۱۸۰	جمع

پرسشنامه

در آزمون فرضیات تحقیق، تعداد ۲۵ سؤال درخصوص فرضیات تحقیق طراحی، و در مرحله نخست از پاسخ‌دهندگان درخواست شد ارتباط هریک از سؤالات را با موضوع تحقیق (موانع رشد و توسعه) با پاسخ بلی و خیر تعیین کنند. در مرحله بعد از پاسخ‌دهندگان درخواست شد در صورت پاسخ مثبت، میزان اهمیت هریک از موضوعات را بر مبنای (Likert Scale)، به شرح زیر تعیین کنند.

بی‌اهمیت	تا حدی بااهمیت	بااهمیت	بااهمیت زیاد	فوق العاده بااهمیت
۱	۲	۳	۴	۵

پرسشنامه در دو مرحله میان پاسخ‌دهندگان توزیع شد. در مجموع از ۱۸۰ پرسشنامه ارسالی، در مرحله اول ۶۵، و در مرحله دوم ۵۸ پرسشنامه تکمیل و دریافت شد.

از آنجا که این احتمال وجود داشته که تعداد افراد پاسخ ندهنده (۵۷ نفر) می‌تواند در نتایج حاصله و تعمیم آن شبهه ایجاد کند، با مقایسه پاسخهای مرحله اول و دوم مشاهده شد، میان پاسخها، اختلاف



محتوایی وجود نداشته، از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که در صورتی که پاسخ ندادگان نیز پاسخ می‌دادند پاسخ آنها همانند پاسخ مراحل اول و دوم تکمیل‌کنندگان پرسشنامه بوده، در نتیجه نتایج یکسانی از آن به دست می‌آمد.

شناسایی روشهای تجزیه و تحلیل آماری

به منظور آزمون اولیه فرضیات تحقیق از روشهای ناپارامتریک مانند آزمون Mann whitney U Test و همچنین آزمون دوجمله‌ای و استفاده از روشهایی مانند Analysis of Covariation و مدل ANOVA، در طبقه‌بندی عوامل مؤثر در مدل تحقیق و روابط میان آنها استفاده شده است.

آزمون دوجمله‌ای^۷

نظر به اینکه سؤالات پرسشنامه، با پاسخهای بلی یا خیر مشخص شده، از این آزمون برای وجود یا نبود مؤلفه (فرضیه) و تحلیل آن استفاده شده است. از آنجا که درجه اهمیت سؤالات میان یک تا پنج تعیین شده بود، بنابراین تمام پاسخهایی که میانگین درجه اهمیت آنها از سه به بالا بوده، به عنوان عوامل مؤثر و کمتر از آن به عنوان عامل بی‌تأثیر در مدل تحقیق تلقی شده‌اند. باتوجه به این مطلب، فرضیات آماری در این آزمون به صورت زیر تعریف شدند:

$$H_0: P \geq 0/6$$

$$H_1: P \leq 0/6$$

از آزمون دوجمله‌ای برای یکایک سؤالات تحقیق استفاده شد، چنانچه مقدار تقریب Z در سطح خطای کمتر از ۵٪ قرار می‌گرفت، به معنی تأیید هر فرضیه به صورت جداگانه بوده است. نتایج این آزمون باتوجه به جدول شماره ۲ بر تأیید تمام فرضیات تحقیق دلالت داشته است.

آزمون ANOVA

در این آزمون به بررسی روابط میان متغیرها و بود یا نبود اختلاف معنی‌دار در عوامل و موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری از نظر تأثیر بر یکدیگر، پرداخته شد. نتایج این آزمون ابتدا به تفکیک هریک از گروههای جامعه آماری و سپس به صورت کلی بررسی و ارائه خواهد شد.

آزمون ANOVA برای اعضای حرفه حسابداری

جدول شماره ۳ نتایج این آزمون را برای اعضای حرفه حسابداری، نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج آزمون دو جمله‌ای

تایید یا رد فرضیه	تقریب در سطح معنی‌دار ^۸	نسبت مشاهده شده	نسب مورد انتظار	جمع	خیر	بلی	پارامترهای آماری سؤال
تایید می‌شود	۰/۰۰۰۰	۰/۹۵۸	۰/۶	۱۱۹	۵	۱۱۴	۱
.	۰/۰۰۲۴	۰/۷۵۵۱	۰/۶	۹۸	۲۴	۷۴	۲
.	۰/۳۲۷۱	۰/۶۶۶۷	۰/۶	۶۶	۲۲	۴۴	۳
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۵۱۵	۰/۶	۱۰۱	۱۵	۸۶	۴
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۳۸۷	۰/۶	۹۳	۱۵	۷۸	۵
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۲۹۸	۰/۶	۱۱۴	۸	۱۰۶	۶
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۷۳۹	۰/۶	۱۱۱	۱۴	۹۷	۷
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۳۴۷۶	۰/۶	۱۰۵	۱۶	۸۹	۸
.	۰/۰۰۷۳	۰/۷۷۹۷	۰/۶	۵۹	۱۳	۴۶	۹
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۱۹۶	۰/۶	۱۱۲	۹	۱۰۳	۱۰
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۸۰۳	۰/۶	۱۱۷	۱۴	۱۰۳	۱۱
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۲۹۸	۰/۶	۱۱۴	۸	۱۰۶	۱۲
.	۰/۰۰۰۳	۰/۸۸۰۷	۰/۶	۱۰۴	۲۳	۸۱	۱۳
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۸۰۷	۰/۶	۱۰۹	۱۳	۹۶	۱۴
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۹۲۲	۰/۶	۱۰۲	۱۱	۹۱	۱۵
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۶۱۴	۰/۶	۱۰۱	۱۴	۸۷	۱۶
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۶۲۹	۰/۶	۱۱۱	۱۵	۹۶	۱۷
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۰۰۰	۰/۶	۱۱۰	۱۱	۹۹	۱۸
.	۰/۰۰۶۲۳	۰/۷۱۰۵	۰/۶	۷۶	۲۲	۵۴	۱۹
.	۰/۱۲۰۳	۰/۶۸۲۸	۰/۶	۹۲	۲۹	۶۳	۲۰
.	۰/۰۰۰۸	۰/۷۶۲۲	۰/۶	۱۰۶	۲۵	۸۱	۲۱
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۴۹۶	۰/۶	۱۱۹	۶	۱۱۳	۲۲
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۶۸۷	۰/۶	۹۹	۱۳	۸۶	۲۳
.	۰/۰۰۰۰	۰/۸۳۱۳	۰/۶	۸۳	۱۴	۶۹	۲۴
.	۰/۰۰۰۰	۰/۹۱۰۷	۰/۶	۱۱۲	۱۰	۱۰۲	۲۵

۸. ضریب خطا در سطح ۰/۰۵ که برابر با ضریب اطمینان ۰/۹۵ است. چون نسبت مشاهده شده بیشتر از ۰/۶۰ است، مورد تأیید واقع می‌شوند.



جدول ۳: نتایج آزمون ANOVA برای اعضای حرفه حسابداری

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	F در سطح معنی‌دار
بین گروهی	۲۴	۲۸۲/۶۱۸۳	۱۱/۷۷۵۸	۱۱/۵۲۶۹	۰/۰۰۰۰
درون گروهی	۲۵۰۸	۲۵۶۲/۱۵	۱/۰۲۱۶		
کل	۲۵۳۲	۲۸۴۴/۷۶۸۳			

از آنجا که مقدار سطح معنی‌دار F کمتر از ۵٪ شده است، در نتیجه وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل ۲۵ گانه در مدل تحقیق از دیدگاه اعضای حرفه حسابداری مورد تأیید قرار می‌گیرند.

آزمون ANOVA برای استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها

آزمون مزبور را برای این گروه از جامعه آماری تحقیق همانند گروه پیش انجام داده، نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه می‌شود:

جدول ۴: نتایج آزمون ANOVA برای استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	F در سطح معنی‌دار
بین گروهی	۲۴	۱۳۶/۳۸۴۶	۵/۶۸۲۷	۵/۸۷۵۴	۰/۰۰۰۰
درون گروهی	۷۰۸	۶۸۴/۷۸۰۵	۰/۹۶۷۲		
کل	۷۳۲	۸۲۱/۱۶۵۱			

از آنجا که مقدار سطح معنی‌دار F کمتر از ۵٪ شده است، پس وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل ۲۵ گانه در مدل تحقیق از دیدگاه استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها نیز تأیید می‌شود.

آزمون ANOVA برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی

نتایج این آزمون نیز همانند دو گروه پیشین بیانگر وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل ۲۵ گانه، در مدل تحقیق است، که به صورت زیر در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون ANOVA برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	F در سطح معنی‌دار
بین گروهی	۲۴	۷۱/۰۵۰۲	۲/۹۶۰۴	۲/۷۷۸۴	۰/۰۰۰۰
درون گروهی	۵۴۰۲	۵۷۵/۳۸۱۶	۱/۰۶۵۵		
کل	۵۶۴	۶۴۶/۴۳۱۹			

از آنجا که مقدار سطح معنی‌دار F کمتر از ۵٪ شده است، بنابراین وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل ۲۵ گانه در مدل تحقیق از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز تأیید می‌شود.

آزمون ANOVA برای کل نمونه

آزمون بالا را بدون توجه به تفکیک گروه‌های جامعه آماری با فرضیات زیر انجام داده، تا نتایج آن به صورت کلی نیز بررسی شود.

نتایج آزمون ANOVA برای کل نمونه، به صورت زیر در جدول شماره ۶ نشان داده شده است:

جدول ۶ نتایج آزمون ANOVA برای کل نمونه

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	نسبت F	F در سطح معنی‌دار
بین گروهی	۲۲	۲۸۲/۶۱۸۳	۱۱/۷۷۵۸	۱۱/۵۲۶۹	۰/۰۰۰۰
درون گروهی	۲۵۰۸	۲۵۶۲/۱۵	۱/۰۲۱۶		
کل	۲۵۳۰	۲۸۴۲/۷۶۸۳			

از آنجا که مقدار سطح معنی‌دار F کمتر از ۵٪ شده است در نتیجه وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل ۲۵ گانه در مدل تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

آزمون Tukey - HSD

باتوجه به نتایج آزمون ANOVA که بر وجود اختلاف معنی‌دار میان عوامل پیش‌بینی شده در مدل تحقیق دلالت داشت، برای طبقه‌بندی این عوامل و اولویت تأثیر هرکدام از آنها، از آزمون Tukey HSD استفاده می‌شود؛ که این آزمون نیز برای گروه‌های جامعه آماری به تفکیک و برای کل جامعه به طور یکجا صورت پذیرفته، نتایج آن به صورت زیر ارائه می‌شود:

نتایج آزمون Tukey - HSD از دیدگاه اعضای حرفه (حسابداران و حسابرسان)

جدول ۷

اولویت	شماره سؤال
۱	۱
۲	۶ و ۲۵
۳	۲۲ و ۱۰
۴	۱۲ و ۱۶ و ۱۵
۵	بقیه عوامل



به عبارت دیگر از دید حسابرسان و حسابداران مهمترین مانع ارتقای آموزش حسابداری عامل اول یعنی کمبود استادان متخصص سپس عوامل ششم و بیست و پنجم و ... از مهمترین عوامل و موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است.

نتایج آزمون HSD - Tukey از دید استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاهها

جدول ۸

اولویت	شماره سؤال
۱	۱
۲	۱۲
۳	۲۲ و ۶
۴	۱۴ و ۱۰
۵	۲۳ و ۷ و ۱۸ و ۱۷ و ۱۵ و ۲۵
۶	بقیه عوامل

به عبارت دیگر از دید اعضای هیأت علمی دانشگاهها مهمترین مانع ارتقای آموزش حسابداری، عامل اول یعنی کمبود استادان متخصص سپس عامل دوازدهم و بعد به ترتیب عوامل مشخص شده در جدول نتایج می باشند.

نتایج آزمون HSD - Tukey از دید دانشجویان تحصیلات تکمیلی

نتایج این آزمون در جدول شماره ۹ به ترتیب زیر نشان داده شده است:

جدول ۹

اولویت	شماره سؤال
۱	۱۰
۲	۶
۳	۲۲
۴	بقیه عوامل

به عبارت دیگر مهمترین عامل از موانع رشد آموزش حسابداری عامل دهم یعنی نبود جایگاه مناسب برای حرفه حسابداری در جامعه و سپس عامل ششم و بعد بقیه عوامل به ترتیب نتایج مندرج در جدول بوده است.

نتایج آزمون HSD - Tukey به صورت کلی

به طور کلی مجموع نظریات پاسخ دهندگان، نسبت به اولویت تأثیر هر متغیر در فرایند آموزش حسابداری را می‌توان از نتایج آزمون HSD - Tukey که به صورت کلی به دست می‌آید، بیان کرد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۱۰ به ترتیب زیر نشان داده شده است:

جدول ۱۰: نتایج آزمون HSD - Tukey به صورت کلی

اولویت	شماره سؤال
۱	۶
۲	۱
۳	۲۲ و ۱۰
۴	۱۲ و ۲۵
۵	۲۵ و ۱۷ و ۱۸
۶	۱۵
۷	۲ و ۲۳
۸	۱۶ و ۷ و ۱۱ و ۵ و ۱۳
۹	۸ و ۲۱ و ۲۴ و ۱۹ و ۲ و ۹ و ۲۰ و ۳

به عبارت دیگر نتایج این آزمون بیانگر بیشترین تأثیر عوامل ۶ و ۱ و بعد به ترتیب ۱۰ و ۲۲ و ۲۵ و ۱۲ در موانع ارتقای آموزش حسابداری است.

آزمون Mann - Whitney U Test

در این آزمون نظریه گروه‌های جامعه آماری دو به دو با یکدیگر مقایسه شده است؛ تا یکسان بودن یا نبودن عقیده آنان نسبت به سؤالات و فرضیات تحقیق مشخص شود. برای این منظور گروه‌های جامعه آماری هر سؤال یا فرضیه تحقیق را به تنهایی مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

نتایج آزمون Mann - Whitney U Test برای مقایسه نظریات استادان و اعضای حرفه حسابداری

نتایج این آزمون در مورد تمام سؤالات تحقیق، نشان می‌دهد که مقدار سطح معنی‌دار α از ۰/۰۵ بزرگتر شده، در نتیجه دیدگاه استادان و اعضای حرفه، در این مورد یکسان است.

آزمون Mann - Whitney U Test به منظور مقایسه نظریات دانشجویان و اعضای حرفه

نتایج این آزمون نیز در مورد تمام سؤالات و عوامل به غیر از مورد شماره ۱۰ بیانگر آن است که دیدگاه



دانشجویان و اعضای حرفه در خصوص عوامل شناسایی شده یکسان بوده؛ زیرا مقدار α از ۰/۰۵ بیشتر بوده است. در مورد سؤال ۱۰ (نیود جایگاه مناسب برای حرفه حسابداری در جامعه و درک پایین جامعه نسبت به شأن و منزلت حسابداری، مانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری است) چون مقدار α از ۰/۰۵ کوچکتر بوده است، در نتیجه میان نظریات دانشجویان و اعضای حرفه در خصوص این موضوع مغایرت وجود دارد.

آزمون Mann - Whitney U Test برای مقایسه نظریات استادان و دانشجویان
نتایج این آزمون در مورد تمام سؤالات بجز مورد شماره ۲۰، به دلیل اینکه مقدار α از ۰/۰۵ بیشتر بوده است، بیانگر یکسان بودن دیدگاه استادان و دانشجویان در مدل تحقیق بوده و فقط در مورد سؤال ۲۰، که عدم علاقه دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری را مانع ارتقای آموزش حسابداری می‌داند، به دلیل اینکه میزان α از ۰/۰۵ کوچکتر است ($\alpha = ۰/۰۰۲۸$) میان نظریات استادان و دانشجویان مغایرت وجود داشته است.

نتایج تحقیق

باتوجه به تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات که از پاسخهای ارائه شده ۱۲۳ نفر از افراد جامعه آماری تحقیق به دست آمده، می‌توان نتایج تحقیق را به صورت زیر ارائه کرد:
نتایج آزمون دو جمله‌ای: همانطور که پیش از این اشاره شد و باتوجه به جدول شماره ۲ تمامی افراد پاسخ‌دهنده، سؤالات مطروحه در پرسشنامه را به عنوان عوامل و موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری دانسته و چون میزان اهمیت این عوامل بسیار حائز اهمیت بوده‌اند؛ از این‌رو پاسخهای بی‌اهمیت و تاحدی بااهمیت نیز به عنوان پاسخهای منفی تلقی شد و در جمع‌بندی نهایی نتایج، ملاک پذیرش قرار نگرفتند.

از آنجا که نتایج این آزمون تأثیر متغیرها را بر مدل تحقیق نمایان می‌سازد، لازم است میزان تأثیر هر یک از این عوامل به عنوان مانعی در فرایند رشد و ارتقای آموزش حسابداری مشخص شود، و یا به عبارت دیگر با بررسی روابط میان متغیرها مشخص شود که آیا از نظر اثرگذاری، عوامل فوق با یکدیگر اختلاف معنی‌داری دارند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال از آزمون ANOVA به تفکیک برای هر گروه از گروههای جامعه آماری و همچنین به صورت کلی برای مجموعه افراد پاسخ‌دهنده در مقایسه نتایج استفاده شد. نتایج آزمون ANOVA بیانگر این مطلب بود که از دیدگاه استادان، دانشجویان و اعضای حرفه حسابداری عوامل و موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری همگی به یک میزان در فرایند آموزشی تأثیر نداشته است، این عوامل اختلاف معنی‌داری را با یکدیگر دارند. نتایج کلی این آزمون نیز مؤید همین مطلب، یعنی وجود اختلاف معنی‌دار میان متغیرهای تحقیق از نظر تأثیرگذاری بوده است.

از آنجا که نتایج آزمون ANOVA بیانگر وجود اختلاف معنی‌دار میان متغیرهای تحقیق بوده، حال این سؤال مطرح می‌شود که کدام متغیر بیشترین تأثیر را در فرایند آموزش حسابداری داراست؛ و کدام متغیر از تأثیرگذاری کمتری برخوردار است؟ برای پاسخ به این سؤال نیز همانطور که اشاره شد از آزمون Tukey HSD که در آن اولویت تأثیرگذاری متغیرها مشخص می‌شود، استفاده گردید. این آزمون ابتدا برای یک یک گروه‌های جامعه آماری، سپس به صورت کلی صورت پذیرفت که نتایج آن در جداول شماره ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ به تفکیک و به صورت کلی بیان شد.

باتوجه به نتایج این بررسی در کل، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اولویت هریک از متغیرهای تحقیق در فرایند آموزش حسابداری به ترتیب زیر می‌باشد:

- ۱- عدم تأمین مالی استادان که منجر به اشتغال آنان به امور غیرآموزشی پژوهشی می‌شود؛
- ۲- کمبود استادان متخصص؛
- ۳- نبود جایگاه مناسب برای حرفه حسابداری در جامعه و درک پایین جامعه نسبت به شأن و منزلت حسابداری؛
- ۴- عدم آشنایی کافی دانشجویان به زبان انگلیسی در استفاده بهتر از متون خارجی؛
- ۵- عدم اشتغال استادان حسابداری به پژوهش و تحقیقات مربوط به حسابداری؛
- ۶- فقدان انجمن مالی حرفه‌ای حسابداری و حمایت منسجم آنان از آموزش حسابداری از لحاظ مادی و معنوی؛
- ۷- کمبود اطلاعات اولیه که لازمه تحقیق و پژوهش است؛
- ۸- کمبود منابع کتابخانه‌ای و اطلاعات جاری؛
- ۹- عدم برگزاری امتحانات تخصصی در تأیید صلاحیت حرفه‌ای؛
- ۱۰- فقدان استانداردها و روشهای مدون حسابداری ملی؛
- ۱۱- کمبود جدی استادان یا مدرک دکتری در رشته حسابداری؛
- ۱۲- کمبود کتابهای حسابداری به زبان فارسی و همچنین کتابهای ترجمه شده؛
- ۱۳- فقدان استانداردها و روشهای مدون حسابرسی ملی؛
- ۱۴- فقدان دوره کارورزی و کارآموزی در حین تحصیل؛
- ۱۵- فقدان همکاری میان استادان حسابداری و حسابدانان حرفه‌ای؛
- ۱۶- گرایش بیشتر آموزش به تکنیکها و روشها به جای تأکید بر مبانی تئوریک و تحلیلی؛
- ۱۷- نبود جایگاه مناسب برای نشر و انتشار مقالات حسابداری؛
- ۱۸- ارائه درس به صورت مجزا و نبود فرایند ارتباط آنان در قالب یک سیستم اطلاعاتی حسابداری؛
- ۱۹- عدم تأمین مالی دانشجویان در دوره تحصیل؛
- ۲۰- استفاده بیش از حد استادان پاره‌وقت؛



- ۲۱- پذیرش دانشجویانی که رشته تحصیل آنان پیش از ورود به دانشگاه سنخیتی با رشته حسابداری ندارد؛
- ۲۲- ارائه موضوعات منسوخ شده؛
- ۲۳- یکنواختی نسبی برنامه دروس حسابداری در تمامی دانشگاهها؛
- ۲۴- عدم علاقه دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری، که ناشی از سیستم گزینش دانشجویانست؛
- ۲۵- ارائه دروس غیرمرتبط با حرفه حسابداری.

نتایج آزمون Mann - Whitney - Test

از آنجا که جامعه آماری تحقیق مرکب از سه گروه استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاههای کشور، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای حرفه حسابداری می باشند؛ لذا مقایسه نظریات آنها نسبت به یکدیگر امری ضروری و قطعی به نظر می رسد. زیرا وجود این احتمال هست که بررسی نظریات جامعه آماری به صورت کلی نتایج متفاوت با هریک از گروههای تشکیل دهنده این جامعه داشته باشد. از این رو همانگونه که پیش از این اشاره شد با استفاده از روشهای آماري Mann - Whitney U - Test مشخص گردید که گروهها نظر یکسانی نسبت به سؤالات مطروحه داشتند و تنها تفاوت در نظریات آنها یک مورد درخصوص عقیده دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اعضای حرفه حسابداری در مورد عامل دهم یعنی نبود جایگاه مناسب برای حرفه حسابداری در جامعه و درک پایین جامعه نسبت به شأن و منزلت حسابداری، و مورد دیگر تفاوت نظر استادان و دانشجویان در خصوص سؤال ۲۰ یعنی نبود علاقه دانشجویان به تحصیل در رشته حسابداری، که ناشی از سیستم گزینش دانشجویانست، بوده است. در بقیه موارد همانطور که اشاره شد نظریات و عقاید گروهها یکسان بوده است.

پیشنهادها

از آنجا که عناصر تشکیل دهنده نظام آموزش عالی کشور، را برنامه های آموزشی، استادان دانشگاهها، دانشجویان، فضاهای آموزشی و تحقیقاتی و تجهیزات و وسایل کمک آموزشی تشکیل می دهند از این رو در طراحی الگوی مناسب آموزشی باید باتوجه به عناصر فوق عنایت کافی را مبذول داشت. در این تحقیق همانگونه که ذکر شد موانع رشد و ارتقای آموزش حسابداری شناسایی گردید؛ بنابراین این موانع باید به نحو منطقی و مناسبی از فرایند آموزشی حسابداری برداشته شود.

باتوجه به اینکه عوامل و موانع شناسایی شده، هرکدام به نحوی با عناصر تشکیل دهنده آموزش عالی مرتبط می باشند؛ بنابراین در طراحی الگوی مناسب آموزش حسابداری در ایران و ارائه برنامه مؤثر و کارآمد برای آن می بایست به نکات زیر توجه کرد:

۱- حضور کم استادان در دانشگاهها به دلیل چندشغله بودن و نبود تأمین مالی آنها، اولین عامل و

مانع رشد و ارتقای آموزش شناسایی شد. بنابراین باید شرایط را فراهم کرد که انگیزه لازم برای حضور آنها فراهم شود.

۲- کمبود استادان متخصص و استفاده بیش از حد از استادان پاره‌وقت و حتی کمبود استادان با مدرک دکتری، نیز از عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری تلقی شد. بنابراین از طریق ترتیب نیروهای متخصص و به کارگیری تمام‌وقت از آنها در دانشگاه و همچنین فراهم کردن شرایط ارتقای نیروهای موجود از طریق اعطای فرصت‌های مطالعاتی، همکاری با دانشگاه‌های معتبر خارجی می‌توان موانع بالا را به نحوی برطرف کرد.

۳- درخصوص دانشجویان، مهمترین موانع رشد و ارتقای عواملی مانند نبود آشنایی کافی دانشجویان به زبان انگلیسی، نبود علاقه به تحصیل در رشته حسابداری ناشی از سیستم گزینش دانشجو، وضعیت مالی دانشجویان، پذیرش دانشجو در این رشته که رشته تحصیلی پیش از ورود به دانشگاه آنان، سنخیتی با رشته حسابداری نداشته، بوده است. بنابراین باید تغییرات مناسبی اولاً در نحوه پذیرش دانشجویان (به عنوان مثال از رشته‌های ریاضی و تجربی)، ثانیاً افزایش سطح اطلاعات و معلومات آنها بخصوص در زمینه زبان انگلیسی که باید آموزش‌های پیش از دانشگاه آنان اصلاح شود، صورت گیرد.

۴- برنامه آموزشی دانشگاه‌های کشور به صورت تقریباً یکنواختی براساس مصوبه شورایی عالی برنامه‌ریزی اجرا می‌شود. آنچه که در تدوین یک برنامه مناسب برای رشته حسابداری باید در نظر داشت جایگزین کردن دروسی است که مبانی تئوریک و تحلیلی دانشجویان را افزایش دهد. متأسفانه در ارائه درس در دانشگاه‌های کشور بیشتر به تکنیک‌ها و روش‌ها به جای مبانی تئوریک تأکید می‌شود؛ که پاسخ‌دهندگان نیز بدان اشاره داشتند. نکته دوم در این زمینه جایگزینی دروسی است که بتواند فرایند ارتباط درس مجزا از یکدیگر را در قالب یک سیستم اطلاعاتی فراهم سازد.

۵- از نظر تجهیزات و وسایل کمک آموزشی، رشته حسابداری جزء رشته‌هایی است که شاید کمتر از سایر رشته‌ها برابر با نیازش به اینگونه تجهیزات توجه شده است. امروزه مهمترین نیاز در این زمینه داشتن مراکز کامپیوتری مناسب برای استفاده دانشجویان و آشنایی آنان با نرم‌افزارهای مناسب است، که بتوانند آموخته‌های خود را در یک سیستم مکانیزه برای پردازش بهتر اطلاعات به کار گیرند. در نهایت استفاده‌کنندگان نیز به نحو بهتری بتوانند به این اطلاعات دسترسی داشته، استفاده کنند.

پیشنهاد‌های جانبی

۱- برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های تخصصی برای بالا بردن سطح علمی تمام دست‌اندرکاران حرفه حسابداری و استادان و دانشجویان.

۲- ایجاد دوره‌های کارآموزی در حین تحصیل برای دانشجویان برای ارتباط میان مفاهیم تئوری و عملی.



۲- جذب استادان متخصص ایرانی مقیم خارج از کشور و ارتباط علمی با دانشگاه‌های معتبر خارج از کشور.

۴- ایجاد مجله یا مجلات معتبر علمی در داخل کشور برای چاپ مقالات و سخنرانیهای علمی.

۵- برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه مدت برای ارتقای علمی حسابداران و حسابرسان واحدهای اقتصادی و به روز کردن معلومات آنها.

محدودیت تحقیق

امروزه در ایران مهمترین مشکل در اجرای پروژه‌های تحقیقاتی کسب اطلاعات است. این محدودیت برای اجرای این تحقیق نیز وجود داشت. چنانکه در معرفی جامعه آماری تحقیق اشاره شد کل جامعه مرکب از ۱۸۰ نفر در نظر گرفته و برای این تعداد نیز پرسشنامه ارسال شد. از آنجا که $68/3\%$ از کل جامعه نسبت به تکمیل پرسشنامه اقدام کردند، در نتیجه عدم پاسخگویی به $32/7\%$ از پرسشنامه‌ها^{۱۰} می‌تواند یکی از محدودیتهای تحقیق به شمار آید. برای رفع نسبی ابهاماتی به دلیل وجود محدودیت بالا همانطور که قبلاً ذکر شد، پرسشنامه‌ها طی دو مرحله توزیع و پاسخهای هر مرحله با یکدیگر مقایسه شد، و چون تفاوت معنی‌داری میان این پاسخها وجود نداشت بنابراین چنین نتیجه گرفته شد که افراد پاسخ نداده به سؤالات تحقیق در صورت پاسخ نیز اختلاف معنی‌دار در ارائه پاسخها و در نهایت در نتایج تحقیق ایجاد نمی‌کردند. لیکن اینکه مورد استنتاج شده در واقعیت «صادق» است هرگز قابل اثبات نمی‌باشد، و از اینروست که محدودیت تلقی می‌شود.

۲- محدودیت بعدی در اجرای تحقیق مشخص نبودن آمار اعضای حرفه حسابداری در ایران بود که باتوجه به موضوع سعی شد مهمترین مراکز حرفه حسابداری در ایران یعنی سازمان حسابرسی و انجمن حسابداران خبره به عنوان جامعه آماری اعضای حرفه حسابداری انتخاب شده، تمام افرادی که از سوابق حرفه‌ای بالایی برخوردار بوده و به مسائل آموزشی و پژوهشی نیز اشتغال داشتند هرگزیده به عنوان اعضای حرفه تلقی کردند. این انتخاب ممکن است نماینده شروع حرفه حسابداری نباشد.

۳- محدودیتهای ذاتی استفاده از پرسشنامه که در مورد این تحقیق نیز صادق است.

۴- تعمیم‌پذیری نتایج، فقط به جامعه‌های آماری و نه گروههایی که در این تحقیق مورد نظرخواهی قرار نگرفتند.

منابع و مأخذ

۱. ثقفی، علی و عادل محمدزاده نوین، «اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال توسعه»، بررسیهای حسابداری شماره ۲۰، دوره اول، ص ۸۱، سال ۱۳۷۲.

۲. علیمدد، مصطفی، نظام‌الدین ملک‌آرایی، «اصول حسابداری»، جلد دوم، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، ۱۳۷۲.
۳. نوروش، ایرج، «تحقیقی پیرامون برنامه درسی دوره کارشناسی رشته حسابداری مناسب برای نیازهای حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی در ایران»، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۴. سیدنی، سیگل، «آمار غیرپارامتری برای علوم رفتاری ترجمه یوسف کریمی»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. محمد، نوفرستی، «آمار در اقتصاد و بازرگانی»، جلد دوم ۱۳۶۹، دانشگاه شهید بهشتی.
6. Accounting Education Change Commission. "AECC Urges Priority for Teaching in Higher Education". Issues Statement No, 1, August, 1990.
7. Alford, Mark and Jerry R. Strawser., "Does Graduate Education Improve Success in Public Accounting?" Accounting Horizons, March 1990, p. 69 - 76.
8. Baker, Richard., "Some Observations on Student Values and Their Implications for Accounting Education - A Comment", The Accounting Review, July 1973.
9. Brish, Richard j., "The Evolution of Accounting in Developing Countries", International Journal of Accounting Education and Research, 14: 105 - 120, Fall, 1978.
10. Deakin, Edward B., "Education Objective for and Accounting program", The Accounting Review, July 1974 pp. 584 - 589.
11. Enthoven, Adolf, J., "More Needs to Be done to Improve Accounting Systems and Practices in Developing Countries", Journal of Accountancy, June 1983, pp. 110 - 120.
12. Markel, W., "Development of Accounting Education and The Accounting Professions in Third World Countries", The International Journal of Accounting, 1985.
13. Sundem Gary L., "The Revolution in Accounting Education", Management Accounting, December 1990.
14. Vincent C., "Some Observation on Student Values and Their Implication for Accounting Education", The Accounting Review, July 1973.